

بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن

اکبر رهنما*

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

زهرا علی‌اکبرزاده آرانی**

مرتبی و هیئت علمی گروه اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

مجید خاری آرانی***

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰)

چکیده

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب است. هرچه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود. حجاب آثار تربیتی در دو زمینه فردی و اجتماعی دارد که مهم‌ترین آثار حجاب در بُعد فردی، شخصیت، سلامت جسمانی، استحکام خانواده، آرامش و امنیت و در بُعد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاقی جامعه و حفظ نیروی کار اقتصادی و حفظ استقلال فرهنگی است. این مقاله به بررسی مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن می‌پردازد. این بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحلیل محتواست.

واژگان کلیدی: حجاب، بُعد فردی، بُعد اجتماعی، تربیت اسلامی.

* E-mail: rahnama_akbr43@yahoo.com

** E-mail: zaliakbarzade@muq.ac.ir

*** E-mail: khari322_m@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم، از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر، از جمله آیین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوت‌هایی وجود دارد. یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب و عفاف است. هرچه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، نورانیت، تقدس، حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود و هرچه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت، رشد و امنیت فردی و اجتماعی فزون‌تر است. هرچند مسئله حجاب و عفاف به‌ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این است که درباره مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن در اسلام پردازیم. بنابراین، ضرورت بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن به عنوان یک مسئله پژوهشی مطرح شده که از طریق این تحقیق به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داده خواهد شد: ۱- حجاب در متون اسلامی چه مفهومی دارد؟ ۲- آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب در دو سطح فردی و اجتماعی چیست؟

۱- شیوه پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، شیوه پژوهش، از نوع تحلیل اسنادی است و با توجه به موضوع این پژوهش که به بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن می‌پردازد، این پژوهش از جمله پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد و ابزار پژوهش نیز شامل فرم‌های فیش‌برداری است و داده‌ها نیز با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که دربارهٔ حجاب انجام شده، بسیار زیاد است، ولی به دلیل بُعد تبیینی که این مسئله دارد، با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از زوایای جدیدی از آن را استخراج کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: محمدی آشنایی (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان *حجاب در ادیان الهی* به بررسی حجاب پرداخته است. او ضمن مرور بر مسئلهٔ حجاب در ادیان مختلف از گذشته‌های دور تا امروز، بر فطری بودن حجاب تأکید و در پایان، علل انحراف شرایع از حجاب را مطرح ساخته است و به آثار بدحجابی در جامعه پرداخته است. عسکری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب در ادیان الهی»، به بررسی حجاب و حدود آن در ادیان مختلف پرداخته است. او ابتدا به فطری بودن پوشش اشاره نموده، آنگاه حجاب را جداگانه در هر یک از ادیان بررسی کرده است. او به وجود حجاب در همهٔ ادیان اذعان دارد. فیاض (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب، ریشه در تاریخ کهن ایران دارد»، به بررسی حجاب پرداخته است و پس از اینکه دربارهٔ پوشش از گذشته‌های دور واکاوی می‌کند، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که حجاب ریشه در فطرت انسان دارد و ادیان تنها مهر تأیید بر آن زده‌اند. قانع (۱۳۷۲) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب و پوشش در تاریخ معنویت بشر قبل از اسلام»، به بحث تاریخی دربارهٔ پوشش پرداخته است و با مطالعه دربارهٔ انسان‌های اولیه و با استفاده از آثار به‌جا مانده از آنها نشان داده است که در طول تاریخ، زنان پوشش بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند. سپس او به بررسی حجاب در ادیان می‌پردازد و بیان می‌دارد که حجاب جنبهٔ فطری داشته است و انبیاء با وضع حجاب، به ندای فطرت بانوان پاسخ گفته‌اند و سلاح دفاعی آنها را تقویت نموده‌اند. خرقانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچهٔ حجاب و پوشش در ادیان مختلف»، به بررسی ریشه و منشاء حجاب و تاریخچهٔ آن از آدم تا خاتم و یا حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن می‌پردازد. او معتقد است که حجاب همیشه وجود داشته است و گاه به صورت دستور دینی، و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ رعایت می‌شده است. استاد مطهری (۱۳۵۳) در کتاب *مسئلهٔ حجاب* به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود دربارهٔ آن پرداخته است. او ضمن تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می‌داند. حسینی‌منش (۱۳۷۱) در پایان‌نامهٔ

خود با عنوان «حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان الهی»، ابتدا به فرهنگ لباس و آنگاه به فلسفه پوشش در اسلام، فطری بودن پوشش، فوائد حجاب برای صیانت خانواده، بهداشت روانی و حفظ شخصیت زن می‌پردازد و در ادامه، حجاب از منظر قرآن و روایات و فتاوی بررسی می‌کند و در آخر نیز به اهمیت حجاب در میان ادیان دیگر می‌پردازد. شفیع‌ی مازندرانی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «چیستی حجاب اسلامی؛ معنانشناسی حجاب از منظر آیات حجاب» ضمن بررسی واژه حجاب، اثبات می‌کند که حجاب انواعی دارد و در هر مورد آن، چیستی خاصی از حجاب را می‌توان از دیدگاه اسلام مشاهده نمود و در این مقاله اثبات می‌شود که حجاب، یک اصل سابقه‌دار در میان افراد بشر است. همچنین، حجاب در راستای تقویت، عفت و کمال انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده است و از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فساد اخلاقی پیشگیری می‌کند.

۳- مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. ابن‌دُرَید می‌گوید: «حَجَبْتُ الشَّيْءَ... إِذَا سَتَرْتَهُ، وَالْحِجَابُ السَّتْرُ... إِحْتَجَبْتُ الشَّمْسُ فِي السَّحَابِ إِذَا تَسْتَرَتْ فِيهِ حِجَابٌ، پوششی است که روی شیء را فرامی‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود، عرب می‌گوید: إِحْتَجَبْتُ الشَّمْسُ فِي السَّحَابِ» (ابن‌دُرَید، ۱۹۸۷م: ذیل واژه حجب). فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد: «حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند؛ زیرا مانع از دیدن است و به دربان، حاجب گفته می‌شود؛ زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع، به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود» (فیومی، بی‌تا: واژه حجب).

از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیئی پوشیده می‌شود. استاد مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می‌کند که کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشترین استعمال آن به معنی پرده است. این کلمه از آن روی مفهوم پوشش می‌دهد

که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۳۸۶-۳۹۱)

این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته است و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می‌فرماید در قرآن کریم، غروب خورشید را در داستان سلیمان این گونه توصیف می‌کند: ﴿حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است. در دستوری که امیرالمؤمنین علی^(ع) به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید: «فَلَا تَطُولَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ» یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده» (نهج البلاغه / ن ۵۳).

۴- مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علوم چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خود را دارد. در فقه، این واژه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد، به کار رفته است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده است و به پوشش خاص زنان اطلاق گردیده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می‌رفته است.

فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا چنان که گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت

پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوط، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور، چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بی‌آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است.

معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی است که زن در برابر نامحرمین باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند (ر.ک؛ علمردی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

۵- جایگاه حجاب در قرآن

مسئله حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۵۹ سوره احزاب مطرح شده است و آنگاه با تفصیل بیشتری در سوره نور آمده است:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ غَوَّاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ و به زنان باایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای

شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشان، یا بردگانشان [= کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم، خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.

در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نوره، ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾، کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر^(ع) می‌فرماید:

«جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بناگوش و گردن ایشان هویدا بود]. وقتی زن از کنار وی گذشت، جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می‌رفت، وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می‌کرد، به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه‌شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد، نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌رسم و او را از این مسئله خبردار می‌کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جويا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾»

(کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۵۲۰).

سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن مردویه از امام علی^(ع) نقل کرده است (به نقل از: طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۱۶). از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

۶- آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب

آثاری که از حجاب به‌جا می‌ماند، ابتدا در روح و روان فرد پدیدار می‌شود؛ زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادگی برای خود پوششی انتخاب می‌کند، حتماً در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسلمان است.

در جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده، محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند. اکنون آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب را در دو سطح فرد و اجتماع بررسی می‌کنیم.

۱-۶ آثار فردی حجاب

۱-۱-۶ شخصیت زن

«شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هر چه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیت زن را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود، ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی‌حجاب در بُعد همسری و مادری، شکست خورده و در بُعد فعالیت‌های اجتماعی، ایزار و بازپچه و ملعبه شده و خواه‌ناخواه سقوط کرده است» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۵-۵۲).

اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۵۹).

به طور کلی، اشیائی که در همه جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به‌آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سویی، بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گرانبهای هستی و صاحب شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف، بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزئین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند، در حقیقت، زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزئین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (النحل / ۵۸). در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد (ر.ک؛ محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵).

دکتر گوستاو لوبون، مورخ معروف فرانسوی، می‌گوید: «این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده است و روی هم رفته زنان مشرق‌زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند: مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا الْكَرِيمُ وَمَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمُ. هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند، مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی‌کنند، مگر لئیمان بی‌ارزش» (پاینده، ۱۳۷۳: ۳۱۸).

بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موقّیّت خویش را در جامعه تحکیم کرده، شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (الأحزاب / ۵۹).

ویلیام جیمز، روانشناس معروف، در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: «زنان دریافتند که دست‌ودل بازی، مایه طعن و تحقیر است، و این امر را به دختران خود یاد دادند» (محمّدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵).

۶-۱-۲) سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار ذیل توجه نمایید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است، ولی به‌خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالات متّحده به عمل آمده، روی هم‌رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متّحده، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، در حالی که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند (ر.ک؛ همان: ۴۵).

سالانه ۳۰ تا ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متّحده ناشی می‌شود، از مجموع کلیه امراض مختلف غیر از سل، بیشتر است (ر.ک؛ همان).

دکتر آمبروس لینگ که از مقامات صلاحیت‌دار درباره بیماری‌های آمیزشی است، اعلام کرد که از سال ۱۹۵۷ به بعد، بیماری‌های آمیزشی در بین جوانان کم‌سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان پسران ۱۵ تا ۱۹ سال، ۶۷/۳ و مقدار افزایش در میان دختران که همین سن را دارند، ۶۵/۴ درصد شده است (ر.ک؛ همان).

بنابراین، یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا^(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند» (ر.ک؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۴۶۷).

۳-۱-۶ استحکام خانواده

شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

از آثار اولیة رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد.

خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیْسُ رُبَّنَّ بِخَمْرِهِنَّ عَلٰی جُیُوبِهِنَّ...﴾ و به

زنان باایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)... ﴿التّور / ۳۱﴾.

بنابراین، زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاک‌ی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند، اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹).

۶-۴) آرامش و امنیت

زن موجودی گرامی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض و دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد (ر.ک؛ قائمی، ۱۳۷۳: ۳۹۰). حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی او دارد؛ زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ‌کس جرأت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نگرهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود (ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۱).

امیر مؤمنان علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ داشتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹: ح ۵۸۲۰).

۲-۶) آثار اجتماعی حجاب

۱-۲-۶) مسئولیت‌های اجتماعی

«هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است. این مسئولیت، عام است؛ یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها. پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار این گونه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامعه مقدس حجاب را از تن بدرد، از عهده انجام این گونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آید» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵).

افراد در شبکه‌های متفاوت جامعه نقش ایفا می‌کنند؛ شبکه‌هایی نظیر شبکه مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به نوعی مسیر حرکت آنان برای حفظ هنجارهایی مانند حجاب می‌باشد (ر.ک؛ شکوری، ۱۳۹۰: ۶). در جامعه امروزی، اگر فرد در این شبکه‌ها مسئولیت اجتماعی نپذیرد، هنجارهای که مربوط به آنها خواهد بود، از بین می‌رود و فرد به نوعی تنبلی و گاهی انحراف از هنجارهای متعارف جامعه دچار می‌شود و این انحراف در مسئولیت‌های دیگر جامعه نمایان می‌شود و فرد را از هدف متعال خود دور می‌کند.

۲-۲-۶) آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان باحجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای خود آزادترند؛ زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند. بنابراین، کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند: «زن باحجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این روی، در خانه و خارج از آن مزاحم ندارد و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۱۰۱).

قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره فرموده است؛ یکی اینکه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ

أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده، توبه کنند)؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است ﴿(الأحزاب / ۵۹)﴾.

أم سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام، می‌گوید: «هنگامی که این آیه نازل شد، زنان انصار موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می‌پوشیدند که گویا روی سر آنها کلاغ نشسته بود و چون کیسه‌ای سیاه به خود پوشانده بودند که سرپایشان گرفته بود» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۶: ۵۱۷).

بنابراین، بی‌حجابی و بدحجابی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند، اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد ﴿(الأحزاب / ۳۳)﴾.

۶-۲-۳) سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت گردد. هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفسد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالیة اسلام است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵). حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را بر نمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشانند. زن با پذیرش حجاب اسلامی، بزرگترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالأخره، جامعه می‌کند؛ زیرا اخلاق، پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد. زنانی که جسم خود را پربه‌تر از آن می‌دانند که اجازه دهند هر چشمی از آن تمتع گیرد، هر هوسی بدان گرایش یابد، بر مسند والای فضیلت نشسته‌اند. کار این گونه زنان، پیامبرگونه است؛ زیرا بعثت پیامبران به منظور تکمیل و تتمیم اخلاق است.

اسلام از بی‌حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است؛ زیرا اینها هستند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم ضعیف و لگدمال می‌کنند. زنان باحجاب، خدمتگذار واقعی دین و اخلاق، و زنان بی‌حجاب و بدحجاب، عامل براندازی و بنیان‌کنی دین و اخلاق هستند (ر.ک؛ همان: ۵۲).

بنابراین، شرط اصلی سلامت اخلاقی جامعه، پرهیز از سقوط در پرتگاه شهوت است. امام رضا^(ع) وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفسدات اخلاقی معرفی می‌فرماید (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰: ۳۱۱).

۴-۲-۶) حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود که اوقات هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طراچی برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود.

از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مدیرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد. اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقید نکند و با لباس ساده و مرتب و در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شوند، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدیرستی، خودبه‌خود از بین می‌روند. هزینه سنگین مواد

آرایی و لباس‌های گران‌قیمت، به‌ویژه با تغییر مداوم مُدها، بار مالی طاقت‌فرسایی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و به علاوه، باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود (ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۸).

بنابراین، اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار، می‌خواهد محیط اجتماع از لذت‌های ناهنجار جنسی پاک شود و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت‌های جنسی از محیط کار و کانون خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۹۴).

۵-۲-۶ حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در قالب حجاب یا ستر سعی دارند که استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند. در واقع،

«لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن، تغییر در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت، استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، به‌ویژه از آن روی که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که اندیشه وابستگی در درون رخنه کرده، در ظاهر افراد نیز متجلی شده است» (قائمی، ۱۳۷۳: ۳۸۵-۳۸۷).

مبارزه برای استقلال فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است؛ به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی^(ع) به این حربه متوسل شده، گفت: «می‌ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!» (غافر/ ۲۶).

بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب بوده است؛ چراکه «حجاب برای جوامع جهان

سومی می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سر راه مقاصد شوم آنها باشد. زنان الجزیرای در مبارزات خود با قوای مهاجم فرانسه، این مسئله را به خوبی نشان دادند و ضربه خود را به آنان وارد کردند. در واقع، آنان نشان دادند که مسلمانان و غلبه کفر بر اسلام را نمی‌پذیرند» (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۷).

اگر حجاب را در جامعه اسلامی لااقل از همین دید بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید. در جامعه اسلامی، حتی یک ملی‌گرا هم باید به سبب استقلال وطن خود و حفظ امنیت خویش حجاب را بپذیرد که البته یک مسلمان به سبب ایمان و اعتقاد خود آن را پذیراست. اگر استعمار بتواند عفت و پوشش را از زن بگیرد، همه چیز جامعه، از جمله مردان آن را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار دهد. یکی از رموز موفقیت اسلامی ایران نیز در همین بود که زنان به سرعت خود را یافتند و با توسل به حربه حجاب در مقابل رژیم خودفروخته پهلوی ایستادند و آن را به زانو درآوردند (ر.ک؛ همان).

نتیجه‌گیری

اثبات تقدس و تجاذب‌های حجاب و عفاف در متون دینی سبب‌ساز گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در بین زن و مرد جامعه خواهد شد و سالم‌سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی حجاب سرچشمه در ضرورت پردازش شخصیت معنوی‌زا دارد و عدم وجود الگوهای مناسب برای حجاب و عفاف سبب انتخاب الگوهای نازل حجاب در جامعه می‌شود. اصلاح هندسه‌های معرفتی در باب ترویج مسئله حجاب و عفاف مستلزم ارائه فواید و آثار تربیتی آن است؛ چه اینکه فواید حجاب در حدی است که بدون آن فرد و جامعه دچار لغزش و آسیب جدی خواهند شد. آثار فردی حجاب شامل آزادی زن، سلامت جسمی، استحکام خانواده و آرامش و امنیت و آثار اجتماعی آن، شامل سلامت اخلاقی جامعه، مسئولیت اجتماعی و حفظ نیروی کار و استقلال فرهنگی و سیاسی می‌شود. بنابراین، حجاب را باید رفتاری الهی شمرد که باعث ارتباط بین فرهنگ و دین، عقل و ایمان، سیاست و دیانت و تکامل و اختیار در رفتار انسانی شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد. (۱۹۸۷م.) *جمهرة اللغة*. بيروت: دارالعلم للملایین.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). *ترجمة نهج الفصاحة*. قم: انتشارات کانون جاوید.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۹). *تحریر الحکم و دُرر الکلم*. قم: انتشارات امام عصر.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- شریفا الرضی، محمدبن حسین. (۱۳۹۰). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی، قم: پیام مقدّس.
- شکوری، محمد. (۱۳۹۰). «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب». *مجله فرهنگ دانشگاه علم و صنعت*. ش ۹. صص ۶-۷.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عظیمیان، مریم و سعید بهشتی. (۱۳۸۸). «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن». *فصلنامه تربیت اسلامی*. ش ۸. صص ۷۵-۱۰۳.
- علی‌مردی، مهناز و محمدمهدی. (۱۳۸۹). «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت». *فصلنامه معرفت ادیان*. ش ۳. صص ۱۱۷-۱۳۸.
- فیومی، احمدبن محمد. (بی‌تا). *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. بی‌جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
- قائمی، علی. (۱۳۷۳). *حیات زن در اندیشه اسلامی*. تهران: انتشارات امیری.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۸ق.). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمدی آشنایی، علی. (۱۳۷۰). *مسئله حجاب*. بی‌جا: ارم.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۳). *میزان الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: انتشارات دارالحدیت.
- مصطفوی، سید جواد. (۱۳۶۹). *حجاب و آزادی*. مجموعه سخنرانی و کنفرانس زن. بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). *مسئله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____ . (۱۳۷۳). *نظام حقوقی زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.